Justice Administration of Tehran Province

Judgment

https://www.Ghazavat.org

Online ISSN: 3060-7809
Print ISSN: 1735-1227
Volum:26 – Issue:127
Autumn 2026

The Approach of the 2023 Central Bank Law to Selected Supervisory Instruments for Liquidity Management and Financial Stability

Sedigheh Gharloghi[1] | **Ebrahim Abdipour Fard**[2]

1. PhD in Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author), gharloghi.sedighe@gmail.com
2. Professor of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, drabdipour1@gmail.com

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2025/04/16
Received in revised form:
2025/12/17
Accepted:
2026/07/14

Keywords:
Supervisory Instruments; Central Bank; Financial Stability; Banking Network; Liquidity Management; Effective Banking Supervision.

Abstract

Liquidity management is one of the principal pillars of banking system stability, playing a significant role in the optimal allocation of financial resources, meeting banks' liquidity requirements, and preventing disruptions in payment flows. As the monetary authority, the Central Bank monitors liquidity flows through the use of monetary policy and supervisory instruments and seeks to strengthen financial stability through their effective application. Adopting a descriptive-analytical approach and drawing on library-based sources, this study focuses on the Central Bank Law enacted in 2023 and seeks to answer the following question: "What approach does the 2023 Central Bank Law adopt toward selected supervisory instruments for liquidity management and financial stability?" The findings of the study indicate that effective supervisory instruments can mitigate the risks arising from liquidity shortages or excess liquidity and enhance confidence in the banking network. Furthermore, the proper implementation of legal requirements relating to liquidity management and financial stability, on the one hand, and coordination between the Central Bank's monetary and supervisory policies, on the other, have direct effects on optimising liquidity management and strengthening financial stability within the banking system. Nevertheless, the 2023 Central Bank Law adopts a prominent and detailed approach to some of the instruments examined in this study, while making only implicit reference to others.

How To Cite

Gharloghi, Sedigheh, Abdipour Fard, Ebrahim. (2026). The Approach of the 2023 Central Bank Law to Selected Supervisory Instruments for Liquidity Management and Financial Stability. Journal of Judgment, 127(3), 63-84. http//doi.org/ 10.22034/judg.2026.2058079.1431

DOI

10.22034/judg.2026.2058079.1431

©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province

آموزش دادگستری
استان تهران

فصلنامه قضاوت

https://www.Ghazavat.org

شاپای الکترونیکی: ۷۸۰۹-۳۰۶۰
شاپا چاپی: ۱۲۲۷-۱۷۳۵
دوره: ۲۶ ـ شماره: ۱۲۷
پاییز ۱۴۰۵

رویکرد قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ نسبت به ابزارهای نظارتیِ منتخب در مدیریت نقدینگی و ثبات مالی

صدیقه قارلقی[۱] | ابراهیم عبدی‌پور فرد[۲]

۱. دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسندهٔ مسئول). رایانامه: gharloghi.sedighe@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: drabdipour1@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۱/۲۷
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۰۹/۲۶
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵/۰۴/۲۳

کلیدواژه:
ابزارهای نظارتی، بانک مرکزی، ثبات مالی، شبکهٔ بانکی، مدیریت نقدینگی، نظارت مؤثر بانکی.

چکیده

مدیریت نقدینگی یکی از ارکان اصلی پایداری نظام بانکی است که تأثیر مهمی در تخصیص بهینهٔ منابع مالی، تأمین نقدینگی مورد نیاز بانک‌ها و جلوگیری از اختلال در جریان پرداخت‌ها دارد. بانک مرکزی به‌مثابه نهاد حاکمیت پولی با بهره‌گیری از ابزارهای سیاستی و نظارتی، بر جریان نقدینگی نظارت می‌کند و تلاش دارد تا با کاربست بهینهٔ آن‌ها ثبات مالی را تقویت کند. این پژوهش با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و بر پایهٔ منابع کتابخانه‌ای، ضمن تمرکز بر قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲ چه رویکردی در قبال ابزارهای نظارتی منتخب در راستای مدیریت نقدینگی و ثبات مالی اتخاذ کرده است؟» بر اساس یافته‌های پژوهش، ابزارهای نظارتیِ کارآمد می‌توانند مخاطرات ناشی از کمبود یا مازاد نقدینگی را کاهش دهد و میزان اعتماد به شبکهٔ بانکی را افزایش دهد. همچنین، اعمال صحیح الزامات قانونی مرتبط با مدیریت نقدینگی و ثبات مالی از یک سو و هماهنگی میان سیاست‌های پولی و نظارتی بانک مرکزی از سوی دیگر، آثار مستقیمی در بهینه‌سازی مدیریت نقدینگی و تقویت ثبات مالی در سیستم بانکی دارد. با وجود این، در قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲ دربارهٔ برخی از ابزارهای مورد بررسی در این پژوهش، رویکردی برجسته و تفصیلی اتخاذ شده و به برخی دیگر فقط به‌صورت ضمنی اشاره شده است.

استناد
قارلقی، صدیقه، عبدی‌پور فرد، ابراهیم. (۱۴۰۵). رویکرد قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲ نسبت به ابزارهای نظارتیِ منتخب در مدیریت نقدینگی و ثبات مالی، فصلنامه قضاوت، ۱۲۷(۳)،۶۳-۸۴.
http//doi.org/ 10.22034/judg.2026.2058079.1431

DOI 10.22034/judg.2026.2058079.1431

ناشر انتشارات دادگستری کل استان تهران

CC BY

مقدمه

امروزه نظام مالی به تدریج به شبکه‌ای جهانی تبدیل شده است. بانکداری فرامرزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، گواهی بر این تحول است. رشد تعاملات اقتصادی و پیشرفتِ فناوری‌های مالی باعث شده است تا بانک‌ها دامنهٔ فعالیت خود را گسترش دهند و خدمات مالی را در سطحی فراتر از مرزهای ملی ارائه دهند (Weber, 2019: 166). بانک‌ها به‌منزلهٔ عناصر کلیدی، تأثیر مهمی در سلامت مالی و ثبات اقتصادی کشورها دارند. با وجود این، توسعه و پیشرفت نظام مالی در بسیاری از کشورها به سازوکارهای نظارتی و مدیریتی مؤثر و کارآمد بستگی دارد (Begenau and Landvoigt, 2022: 1762). قدرت این الزامات نظارتی نقش بسزایی در تقویت ثبات اقتصاد کلان و حفظ سلامت مالی دارد (Phan et al., 2022). این مقررات علاوه بر آنکه شمول مالی را افزایش می‌دهند (Anarfo and Abor: 2020)، با حفاظت از مشتریان و سپرده‌گذاران، بستر لازم را برای هدایت نقدینگی در شبکهٔ بانکی به حوزه‌های کارآمد و مؤثر اقتصادی فراهم می‌کنند. همچنین در پی آن، تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری ساختارهای اقتصادی پایدار و بهره‌ور بر جای می‌گذارند (Plato-Shinar, 2021: 32).

نظارت بر بازار پول و نقدینگی یکی از ارکان اصلی مدیریت اقتصادی هر کشور به شمار می‌آید، که نقش مهمی در حفظ ثبات مالی، کنترل تورم و جلوگیری از بحران‌های اقتصادی دارد و همواره به رویکردهای متناسب با شرایط اقتصادی و ساختارهای مالی کشورها نیاز دارد. ثبات مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که بحران‌های مالی سیستماتیک، ثبات اقتصاد کلان را تهدید نکنند (میرباقری هیر و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ یعنی اجزای تشکیل‌دهندهٔ یک سیستم مالی از جمله بانک‌ها و مؤسسات سپرده‌پذیر و سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه و شرکت‌های بیمه، استحکام و عملکرد مناسب داشته باشند. این مسئله به آن علت است که تمامی اجزای سیستم‌های مالی در اقتصاد به یکدیگر مرتبط‌اند و در صورت نبود تعادل در یکی از اجزا، ثبات مالی کل سیستم به هم می‌ریزد (زارعی و کمیجانی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). سازوکارهای نظارتی به‌ویژه هنگامی که بازار با افت‌وخیزها و پیش‌بینی‌ناپذیری مواجه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز ثبات و اطمینان در سیستم بانکی و مالی شود. طبق مطالعات انجام‌شده، بیشتر پژوهشگران به‌صورت مجزا ابزارهای مورد استفادهٔ بانک مرکزی در مدیریت نقدینگی را تحلیل کرده‌اند، با این حال، پژوهش‌هایی که هم‌زمان و یکپارچه، اثرگذارترین ابزارهای نظارتی بانک مرکزی در مدیریت نقدینگی و حفظ ثبات مالی در آن‌ها بررسی شده باشند، کمتر صورت گرفته‌اند. در واقع در اغلب تحقیقات موجود با تمرکز بر تعداد محدودی از این ابزارها، آثار هریک بر حوزهٔ سیاست‌های پولی و بانکی ارزیابی و آسیب‌شناسی شده است که ضرورت بررسی تأثیر نظام‌مند استفاده از ابزارهای مذکور در مدیریت

نقدینگی، در مطالعه‌ای جامع بیش از پیش نمایان می‌شود. همچنین تاکنون پژوهشی که به‌صورت متمرکز در رویکرد قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۳۰[1] در خصوص ابزارها و سیاست‌های پولی مورد استفاده در مدیریت نقدینگی و برقراری ثبات مالی کاوش و تحلیل کرده باشد، صورت نگرفته است. در ادامه به چند نمونه از پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود:

محی‌الدین[2] (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «عملیات بازار باز؛ انتظارات و چالش‌ها» بر اهمیت هماهنگی عملیات بازار باز با سایر ابزارهای سیاست پولی، مدیریت نقدینگی و بدهی عمومی تأکید دارد. طبق استدلال وی شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در اجرای این عملیات برای افزایش اطمینان و ثبات بازار ضروری است. در این راستا لازم است بانک مرکزی با تنظیم راهکارهای عملیات بازار باز متناسب با شرایط اقتصادیِ متغیر، به چالش‌های نوظهور پاسخ دهد. زیبده زهاروم[3] و همکاران (۲۰۲۲) در مقالهٔ مشترک خود با عنوان «تأثیر مدیریت نقدینگی بر سودآوری بانک‌ها» ارتباط بین مدیریت نقدینگی و سودآوری بانک‌های تجاری در مالزی را در دورهٔ ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش یادشده حاکی از آن است که بانک‌ها باید نقدینگی خود را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که ضمن پوشش بدهی‌های ضروری، از نگهداری بیش از حد نقدینگی که می‌تواند سودآوری را کاهش دهد، اجتناب کنند. علیرضا عرفانی و محمدامین حیدری (۱۴۰۱) در اثر مشترک خود با عنوان «نقش مدیریت نقدینگی بر سودآوری بانک‌ها» تأثیر مدیریت نقدینگی در سودآوری بانک‌ها را با استفاده از داده‌های سالانهٔ ۱۶ بانک ایرانی در ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹ بررسی کرده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، مدیریت نقدینگی تأثیر مثبت و معناداری در سودآوری بانک‌ها دارد و این اثر در بانک‌های خصوصی و نیمه‌دولتی قوی‌تر از بانک‌های دولتی است.

با توجه به تعدد و تنوع ابزارها و سیاست‌های پیش‌بینی‌شده در قانون بانک مرکزی، در این پژوهش برای حصول نتیجهٔ مطلوب‌تر و دست‌یابی به پاسخ پرسش مطرح‌شده، چند ابزار نظارتی برای نمونه انتخاب شده‌اند تا رویکرد قانون‌گذار نسبت به آن‌ها در راستای مدیریت نقدینگی و ثبات مالی بررسی و ارزیابی شود. در این مسیر مهم‌ترین پرسشی که تلاش می‌شود تا به پاسخ آن دست یافت، این است که «قانون بانک مرکزی چه رویکردی در قبال ابزارهای نظارتیِ منتخب در راستای مدیریت نقدینگی و ثبات مالی اتخاذ کرده است؟» شیوهٔ پاسخ‌گویی به پرسش یادشده توصیفی ــ تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت کتابخانه‌ای و جست‌وجو در قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲ و دیگر قوانین و مقررات مرتبط است. همسو با این پرسش، فرضیهٔ تحقیق

---

۱. در ادامه از این قانون به اختصار «قانون بانک مرکزی» نام برده می‌شود.

2. A. J. Haja Mohideen.

3. Zaibedah Zaharum.

مبتنی بر این نگرش است که «در قانون بانک مرکزی برخی از ابزارهای نظارتی در راستای مدیریت نقدینگی و ثبات مالی به‌صورت ضمنی یا محدود مطرح شده‌اند. در مقابل قانون‌گذار توجه بیشتری نسبت به برخی دیگر از ابزارهای نظارتی داشته است». بر این اساس نخست چهارچوب نظری و مفهومی پژوهش تبیین می‌شود. سپس ابزارهای منتخب مدیریت نقدینگی و ثبات مالی در قانون بانک مرکزی تشریح خواهد شد.

۱. چهارچوب نظری و مفهومی پژوهش

بررسی نقش بانک مرکزی در نظارت بر نظام بانکی و مدیریت نقدینگی، مستلزم درکی روشن از مفاهیم این حوزه است. مفاهیمی همچون «نظارت»، «نقدینگی و مدیریت نقدینگی» هریک در سیاست‌های پولی و تنظیم‌گریِ بانک مرکزی جایگاه خاصی دارند و بدون فهم دقیق از آن‌ها، تحلیل ابزارها و چالش‌های نظارتی ممکن نخواهد بود. از این رو، در این مبحث، ابتدا مفهوم نظارت تبیین می‌شود، سپس معنای نقدینگی و مدیریت آن واکاوی خواهد شد تا زمینه‌ای برای ورود به مباحث بعدی فراهم شود.

۱-۱. نظارت

نظارت[۱] کلمه‌ای عام است که در تمامی ابعاد فعالیت‌هایِ انسان اعمال‌شدنی است. همچنین از واژه‌هایی به شمار می‌رود که منطقی است آن را با توجه به حوزهٔ مدنظر خود تعریف کرد. از نظر لغوی کلمهٔ نظارت به فتح و کسر نون به کار می‌رود و ریشهٔ آن «نَظَرَ» است. نظر در لغت به معنای مشاهده، تأمل و تفکر در چیزی یا امری آمده است (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۱). لغت‌نامهٔ دهخدا در شرح آن بیان داشته است: «نظرکردن و نگریستن به چیزی، مراقبت و تحت‌نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، نگرانی و دیده‌بانی به سوی چیزی، سر کاری چیزی، مباشرت و حراست» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۵۶۱). در متون مالی نیز واژه‌های Supervision و Regulation به‌جای یکدیگر به کار می‌روند. با این حال، برخی بر این باورند که Regulation شامل مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و قواعد است که عوامل مالی موظف‌اند در قالب آن‌ها کار کنند. در حالی که Supervision شامل پایشِ رفتار عوامل مالی و مداخله در صورت لزوم است تا اطمینان حاصل شود که مطابق نص و روح چهارچوب نظارتی عمل می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶: ۵۵).

بیشتر محققان و پژوهشگران، نظارت را با مدنظر قراردادن حوزهٔ تخصصیِ خود معنا کرده‌اند.

---

۱. معادل واژهٔ نظارت در زبان انگلیسی این واژه‌ها پیشنهاد شده است: Supervision..., Stewardship, control, overseeing, monitoring.

برخی بیان می‌دارند که نظارت به معنای کنترل و بررسی اقدامات مقام و نهادی حکومتی از جانب مقام و نهادی دیگر است که نهایت آن حصول اطمینان از باقی‌ماندن اقدامات انجام‌شده در حدودوثغور قانون است، بدون آنکه مقام یا نهاد نظارت‌کننده، خود در اداره‌کردن امور دخالت مستقیم داشته باشد (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۵). شماری نیز نظارت را به معنی کنترل‌کردن امور انجام‌شده و ارائهٔ راهکارهای مناسب برای مرتفع‌کردن موانع، مشکلات و تخلفات احتمالی صورت‌گرفته می‌دانند (صامعی و قاسمی، ۱۳۸۵: ۲). با وجود این، نظارت به‌طور خاص در علومی همانند مدیریت دولتی، اقتصاد و حقوق، معانی مختص خود را دارد. در علم اقتصاد، نظارت اغلب به کنترل و پایش شاخص‌های کلان اقتصادی، از جمله نقدینگی، سیاست‌های پولی و مالی اشاره دارد. در دانش مدیریت نیز بر کارایی و اثربخشی فرایندهای سازمانی تأکید دارد و به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، مراقبت‌ها و عملکردهای مدیران اشاره می‌کند که با هدف مقایسهٔ فعالیت‌های انجام‌شده با اصول و برنامه‌های مدون انجام می‌شود (هانگر و ال ویلن، ۱۳۸۸: ۲۱). در مطالعات حقوقی، مفهوم نظارت بر اساس نوع و تعداد ابزارهای به‌کاررفته در فرایند نظارتی و همچنین میزان کنترلی که بر نهاد مدنظر اعمال می‌شود، به دو شکل کلی یا محدود شناخته می‌شود (Akbi, 2022: 46).

بدیهی است که تعدد معانی این واژه از یک سو به دلیل کاربردهای متنوع آن در علوم گوناگون است و از سوی دیگر به سبب تفاوت در ابزارها و اهداف مدنظرِ نظارت است. از این رو، نظارت می‌تواند پیشگیرانه، تطبیقی، اصلاحی یا حتی تنبیهی باشد؛ چه آنکه در هریک از این گونه‌ها، نقش و کارکردی متفاوت ایفا می‌کند. در پژوهش پیش‌رو، مفهوم مدنظر از این واژه، نظارتِ بانک مرکزی بر شبکهٔ بانکی است که به موجب بند «ر» مادهٔ ۱ قانون بانک مرکزی تحت‌الشمول «اشخاص تحت‌نظارت» قرار می‌گیرد و دامنهٔ آن مشتمل بر ابعاد مرتبط با مدیریت و کنترل نقدینگی است. در جزء ۲ از بند «الف» مادهٔ ۳ قانون بانک مرکزی نیز به‌روشنی یکی از اهدافی که بانک مرکزی ملزم است مسیر رسیدن به آن را هموار کند «ثبات و سلامت شبکهٔ بانکی و سایر اشخاص تحت‌نظارت» در نظر گرفته شده است. نظارتی که در پژوهش حاضر تأکید می‌شود، در قالب نظارت احتیاطی خرد[1] مطرح می‌شود که به سیاست‌ها، ابزارها و اقدامات لازم برای اطمینان از ثبات مالی و جلوگیری از بی‌ثباتی‌های اقتصادی بانک‌ها اطلاق می‌شود. گفتنی است که نظارت احتیاطی به مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، سیاست‌ها و ابزارهایی گفته می‌شود که ناظر بر فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با هدف تضمین سلامت مالی هر بانک تحت نام نظارت احتیاطی خرد و ثبات کل سیستم مالی با عنوان نظارت احتیاطی کلان[2] است. در نظارت احتیاطی خرد، تمرکز بر ارزیابی و کنترل ریسک در

1. Micro-prudential supervision.
2. Macro prudential supervision.

سطح هر بانکِ منفرد است، در حالی که نظارت احتیاطی کلان به ریسک‌های سیستمیک، تمرکز ریسک و پیامدهای جمعی اقدامات بانک‌ها مربوط است (Serbanescu, 2022:3). اگرچه ابزارهای هر دو سطح مشابه هستند، تفاوت اصلی آن‌ها در هدف و دامنهٔ کاربرد است. سیاست احتیاطی کلان با شناسایی و کاهش ریسک‌های رایج و سرایت‌پذیر به‌مثابه مکمل سیاست خرد عمل می‌کند و به تقویت ثبات مالی کمک می‌کند. در ادامه مفهوم نقدینگی و مدیریت نقدینگی تشریح می‌شود.

۱-۲. نقدینگی و مدیریت نقدینگی

برای واژهٔ نقدینگی[1] معانی گوناگونی بیان شده است؛ برای نمونه فرهنگ بزرگ سخن، نقدینگی را «مجموعه پول در جریان در یک کشور» و «نقدینه» را «پول رایج قابل پرداخت و دریافت؛ پول نقد» دانسته است (انوری، ۱۳۸۱: ۷۹۱۶). نقدینگی از نگاه برخی مجموعه سرمایه‌ای است که برای تأمین مالیِ سریع عملیات و پرداخت تعهدات به طلبکاران در دسترس است. امروزه بخش عمده‌ای از این سرمایه به‌جای وجه نقد، به‌صورت اعتباری در گردش است. در مؤسسات مالی نیز نقدینگی صرفاً به ظرفیت آن‌ها در حفظ منابع مالیِ کافی برای پرداخت تعهدات خود در سررسید اشاره دارد. این توانایی شامل رعایت الزامات ذخیره، پرداخت‌های بین‌بانکی و تسویه حساب‌های مالی، مدیریت وجوه نقد و پوشش سایر تعهدات مرتبط با برداشت وجوه است.

حفظ میزان معینی از وجه نقد برای مقابله با شرایط اضطراری و بهره‌مندی از فرصت‌های مالی، هم‌راستا با مفهوم نقدینگی است (Bierman and Hass, 1963). از آنجایی که موجودی‌های مردم در حساب‌های پس‌انداز[2] و مدت‌دار[3] می‌تواند به سرعت به قدرت خرید تبدیل شود، مجموع وجوه در حساب‌های پس‌انداز و مدت‌دار را در اصطلاح شبه‌پول[4] نام نهاده‌اند. نقدینگی بدین‌ترتیب مجموعه حجم پول و شبه‌پول است که در منابع اقتصادی معمولاً با M۲[5] نمایش داده می‌شود. از دیدگاه بانک مرکزی اروپا[6] با وجود کثرتِ استفاده از اصطلاح نقدینگی در منابع مالی و اقتصادی،

1. Liquidity.
2. Saving Deposits.
3. Time Deposits.
4. Quasi Money or Near Money.

۵. M۱؛ اسکناس، سکه، ماندهٔ حساب جاری و چک‌های مسافرتی را در بر می‌گیرد. در تعریف M۲ دارایی‌های دیگری به M۱ اضافه می‌شود؛ حساب سپردهٔ صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و سهام صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری فعال در بازار پول و نیز اقلام دیگری از دارایی مثل سپرده‌های کوتاه‌مدت، موجودی حساب‌های پس‌انداز، قراردادهای بازخرید یک‌روزه و دلارهای اروپایی که قدرت نقدشوندگی بسیاری دارند و می‌توان بدون اندک هزینه‌ای به سرعت آن‌ها را به پول نقد تبدیل کرد. گفتنی است که در برخی آثار از M۲ به پول وسیع یاد می‌شود. برای نمونه: (پژوهشکدهٔ پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۸۶: ۹۷).

6. European Central Bank.

مشـــخص‌کردن معنای واحد برای این واژه، کار دشـــواری به نظر می‌رســـد. در نظریهٔ اقتصادی از زاویهٔ دیدِ این نهاد، حداقل دو مفهوم متفاوت از نقدینگی ارائه می‌شـــود. مفهوم نخست «نقدینگی پولی»[1] نام نهاده می‌شـــود که به میزان دارایی‌های نقدی در اقتصاد مربوط می‌شـــود و به نوبهٔ خود با ســـطح نرخ بهره مرتبط اســـت. معنای دوم «نقدینگی بازار»[2] است که با اندازه‌گیری توانایی فعالان بازار برای انجام معاملات اوراق بهادار بدون ایجاد تغییرات فاحش در قیمت آن‌ها مرتبط دانســـته می‌شود (European Central Bank, 2007: 81).

در سایر کشورها مفاهیم دیگری از نقدینگی استفاده می‌شود؛ برای مثال دارایی‌های نقدی دیگر به میزان درجهٔ نقدبودن به آن اضافه می‌شـــود. در این شرایط اگر موجودی اوراق قرضهٔ کوتاه‌مدت دولت نزد مردم و دارایی‌های مشـــابه دیگر نیز به M۲ اضافه شـــود، کمیت دیگری حاصل می‌شـــود که M۳ نام‌گذاری می‌گردد (طبیبیان، ۱۳۸۲: ۳۸۲). در ژاپن «نقدینگی در مفهوم وســـیع» آن شـــامل M۳ به علاوهٔ اوراق بهادار دولت، اســـناد قرضهٔ تجاری منتشـــره از ســـوی مؤسســـات مالی، اوراق قرضهٔ بانک‌ها، تراست‌های سرمایه‌گذاری، تراست‌های پولی و اوراق قرضهٔ خارجی است (همتی، ۱۴۰۰: ۸). در ایران با افزایش میزان تورم، مردم دارایی‌های نقدی دیگری همانند مســـکوکات طلا و یـــا ارزهای خارجی نگهداری کرده‌اند که در صـــورت وجود آمار معتبر باید جزیی از مفهوم کلی نقدینگی به حساب آید (طبیبیان، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

در این راســـتا مدیریت نقدینگی[3] به‌منزلهٔ یکی از ارکان اصلیِ سیاست‌گذاریِ اقتصادی، تأثیری عمیق در ثبات اقتصادی، رفاه عمومی و امنیت مالیِ جامعه بر جای می‌گذارد. چه آنکه نقدینگی به معنای مجموع پول و شـــبه‌پولِ در گردش، اگر به درســـتی مدیریت نشود، می‌تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی گســـترده‌ای با خود به همراه داشـــته باشـــد. هدف اصلی از مدیریت نقدینگی، ارزیابی میـــزان منابـــع مالی مورد نیاز برای انجـــام تعهدات عمومی و اطمینان از دسترســـی به وجوه نقد یا دارایی‌های نقدشـــونده است. در ســـطح کلان مدیریت نقدینگی ضرورتی اساسی برای اطمینان از اجرای تعهدات مالی و تأمین هزینه‌های عملیاتی کوتاه‌مدت اســـت. مدیریت بهینهٔ نقدینگی شامل پایش روزانـــهٔ جریان‌های درآمدی و هزینه‌ای، برآورد دقیق زمان‌بندیِ پرداخت‌ها و تنظیم ســـطح نقدینگـــی مورد نیـــاز برای حفظ ثبات اقتصادی اســـت. از این رو، افزایش یـــا کاهش بیش از حد نقدینگی در سیستم مالی، می‌تواند توانایی نهادهای حاکمیتی در عرصهٔ پول و نقدینگی را در اجرای سیاست‌های پولی و مالی محدود کند و ریسک‌هایی همچون افزایش تورم، بی‌ثباتیِ بازارهای مالی یا کاهش اعتماد عمومی را با خود به همراه داشته باشد.

1. Monetary liquidity.
2. Market liquidity.
3. Liquidity Management.

هیئت عالی به‌منزلهٔ یکی از ارکان مهم بانک مرکزی ایران به موجب بند ۶ از مادهٔ ۸ قانون بانک مرکزی، وظیفهٔ اتخاذ تدابیر لازم برای مدیریت نقدینگی را عهده‌دار شـده اسـت. انجام این وظیفه مستلزم استفاده از مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی و نظارتی از جانب بانک مرکزی است تا بتواند جریان نقدینگی را در اقتصاد به‌صورت کنترل‌شـده و هدفمند تنظیم کند. در این راسـتا قانون‌گذار بر مبنای جزء ۱ بند «ب» مادهٔ ۱۰ قانون یادشـده، رئیس کل بانک مرکزی را موظف کرده اسـت تا حداقل سه روز قبل از برگزاری نشست ویژهٔ سیاست‌گذاری، گزارش عملکرد بانک مرکزی و شبکهٔ بانکی کشور را در دورهٔ مورد گزارش در اختیار اعضای اصلی و ناظر هیئت عالی قرار دهد. در ادامه رویکرد قانون بانک مرکزی به کاربسـت برخی از مهم‌ترین سیاست‌های پولی و اقدامات احتیاطی در مسیر مدیریت نقدینگی و حفظ ثبات مالی بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. ابزارهای منتخب مدیریت نقدینگی و ثبات مالی در قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲

مطالب این مبحث در قالب دو سـرفصل تقسـیم‌بندی می‌شـود. در سـرفصل آغازین به ابزارهای سیاست پولی غیرمستقیم اختصاص یافته است.

۲-۱. ابزارهای سیاست پولی غیرمستقیم

نرخ ذخیرهٔ قانونی و عملیات بازار باز دو ابزار مهمی است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۲-۱-۱. نرخ ذخیرهٔ قانونی

ذخایـر قانونـی از نظر تاریخی ابزار عمومی برای کنترل متغیرهـای پولی با معین‌بودن پایهٔ پولی به شمار می‌روند. نرخ ذخیرهٔ قانونی درصدی از سپرده‌های دیداری و سپرده‌های غیردیداری بانک‌ها به شمار می‌رود که لازم است نزد بانک مرکزی قرار داده شود (هاندا، ۱۳۹۸: ۴۵۸ و ۱۵۹). بانک‌ها تمام سـپرده‌های در اختیار خـود را وام نمی‌دهند، زیرا نیاز دارند مقداری را برای پاسـخ‌گویی به الزامات سپردهٔ قانونی[1] نگهداری کنند (مئنجاک، ۱۴۰۰: ۱۹۴). به بیان دقیق‌تر، بانک‌ها وظیفه دارند همواره نسـبتی از بدهی‌های ایجادشـده و نیز به‌صورت خاص، سـپرده‌های اشخاص نزد خود را در بانـک مرکـزی نگهداری کنند (فراهانی فرد، ۱۳۹۱: ۲۶۲). در مـواردی که بازارها برای اجرای عملیات بازار باز مناسـب نیسـتند یا پایهٔ پولی نمی‌تواند به دلایلی کنترل شـود، مقامات پولی غالباً تلاش می‌کنند تا خلق ذخایر از سـوی نظام بانکی را از طریق تغییر نسـبت ذخایر به سـپرده‌های دیداری و در برخی موارد از طریق نسبت ذخایر به سایر سپرده‌ها، محدود کنند (هاندا، ۱۳۹۸: ۴۵۴).

1. Reserve requirements.

بر این اساس مطابق قوانین بانکی هر کشوری، بانک‌ها وظیفه دارند که درصد مشخصی از سپرده‌های دیداری و غیردیداری خود را به‌عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه گذارند و با بقیهٔ سپرده‌ها فعالیت‌های بانکی انجام دهند و حجم پول را گسترش دهند. بانک مرکزی برای استفاده از این ابزار پولی می‌تواند حسب مورد و در راستای وضعیت پولی و اقتصادی کشور، نرخ ذخایر قانونی را تغییر دهد و از این راه در میزان ذخایر قانونیِ بانک‌های تجاری نزد خود و قدرت وام‌دهی آن‌ها تأثیر گذارد (موسویان و نظری، ۱۳۹۲: ۱۳).

عمده‌ترین هدف بانک مرکزی از دریافت ذخیرهٔ قانونی، پیشگیری از بحران نقدینگی و ناتوان‌شدن بانک‌ها در شرایط «هجوم بانکی» است. میزان اعتباراتی که بانک‌های تجاری می‌توانند برقرار کنند، به مقدار ذخایری که در اختیار آن‌ها است، بستگی دارد. از سوی دیگر مقدار ذخایری که در بانک‌های تجاری وجود دارد با نرخ ذخیرهٔ قانونی مرتبط است. در شرایطی که بانک مرکزی نرخ ذخیرهٔ قانونی را افزایش می‌دهد، از میزان ذخایر بانک‌ها و در نتیجه حجم اعتبارات و مقدار عرضهٔ پول کاسته می‌شود. به عبارت دیگر، «بانک مرکزی از طریق افزایش نسبت سپردهٔ قانونی، حجم تسهیلات اعطایی بانک‌ها را منقبض و از طریق کاهش آن، اعتبارات بانک‌ها را منبسط می‌کند» (عربی و میثمی، ۱۳۹۸: ۱۹۵). بر اساس یافته‌های پژوهشی که با عنوان «تأثیر نرخ ذخیرهٔ قانونی بر نرخ تورم و رشد اقتصادی در ایران (رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان)» انجام شده است، نرخ ذخیرهٔ قانونی می‌تواند به‌مثابهٔ یکی از ابزارهای مهم سیاست پولی در اقتصادِ ایران نقش مؤثری در کنترل حجم پول داشته باشد. طبق نتایج این مطالعه، افزایش یک واحد درصدی در نرخ ذخیرهٔ قانونی، به‌عنوان سیاست پولی انقباضی، به کاهش ۰/۹۷درصدی در نرخ رشد حجم پول منجر می‌شود. این ابزار از طریق کاهش رشد حجم نقدینگی، اثر غیرمستقیمی بر کاهش نرخ تورم نیز دارد. به عبارتی دیگر، تنظیم درست نسبت ذخیرهٔ قانونی می‌تواند به بانک مرکزی در هدایت تقاضای کل و کنترل فشارهای تورمی کمک کند (سعادت‌مهر و منصوری، ۱۴۰۲: ۱۰۰).

در قانون بانک مرکزی صراحتاً از درصد نرخ ذخیرهٔ قانونی سخن گفته نشده است. با این حال، در لایحهٔ پیشنهادی، حداقل نرخ ذخیرهٔ قانونی برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ۶درصد تعیین شده بود و این اختیار به بانک مرکزی داده شده بود که بر اساس نوع سپرده و فعالیتِ مؤسسات، نسبت‌های متفاوتی را تعیین کند. با وجود این، در نسخهٔ نهایی قانون بانک مرکزی که به تصویب رسید، این بند حذف شد و دیگر اشاره‌ای صریح به تعیینِ حداقل یا حداکثری برای نرخ ذخیرهٔ قانونی در متن قانون نشده است. به بیان دیگر، در قانونِ مصوب، موضوع نرخ ذخیرهٔ قانونی عملاً مسکوت باقی مانده و این ابزار سیاستی به‌شکل مشخص تعریف نشده است.

برخی بر این باورند در شرایطی که بازارهای مالی در حال گسترش و پیچیده‌ترشدن هستند،

کنترل مستقیم به تدریج کارایی خود را از دست می‌دهد و دورزدن آن‌ها آسان‌تر می‌شود. به همین دلیل، حرکت به سمت کنترل‌های غیرمستقیم مانند عملیات بازار باز، گامی اساسی در راستای ثبات و توسعهٔ اقتصادی محسوب می‌شود (Njeru et al., 2024: 5349). عملیات بازار باز در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱-۲. عملیات بازار باز

عملیات بازار باز[1] که اولین تعیین‌کننده در تغییرات نرخ بهره، پایهٔ پولی و نیز منبع اصلی نوسانات در عرضهٔ پول به شمار می‌رود، از طریق خریدوفروش اوراق بهادار دولتی در بازار انجام می‌شود تا نقدینگی و نرخ بهرهٔ کوتاه‌مدت را تنظیم کند. هنگامی که نقدینگیِ مازاد در بازار وجود دارد، بانک مرکزی با فروشِ اوراق بهادار، پول را از بازار جمع‌آوری می‌کند و نقدینگی را کاهش می‌دهد که این اقدام معمولاً در شرایط تورمی انجام می‌شود تا از فشارهای قیمتی بکاهد. در مقابل هنگامی که نقدینگی در بازار کاهش می‌یابد و نیاز به تحریک اقتصاد وجود دارد، بانک مرکزی اوراق بهادار را خریداری می‌کند و پول را وارد سیستم بانکی می‌کند تا عرضهٔ پول افزایش یابد و نرخ بهره کاهش پیدا کند (Mohideen, 2024: 3). در بیشتر کشورها بانک مرکزی به واسطهٔ حق قانونیِ در اختیارِ خود که با «حق‌الضرب» از آن نام برده می‌شود، به‌صورت انحصاری امکان انتشار پول را در اختیار دارد. بدین‌سان از طریق ورود به بازار بین‌بانکی و انجام عملیات بازار باز، با خریدوفروش اوراق بهادار، عرضه و تقاضایِ ذخایر را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کند که نرخ بهرهٔ رایج بازار به سمت نرخ بهرهٔ هدفِ تعیین‌شده هدایت شود (European Central Bank, 2012: 121). این نکته در مادهٔ ۱۰ شیوه‌نامهٔ اجرایی «انجام عملیات بازار باز و اعطای اعتبار در قبال اخذ وثیقه» مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۴ هیئت عامل بانک مرکزی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این ماده، ادارهٔ عملیات بازار باز با پیش‌بینی جریان ورودی و خروجی ذخایر در بازار، به‌گونه‌ای در عرضهٔ ذخایر مداخله می‌کند که نرخ سود بازار به نرخ سود هدف نزدیک شود.

در مهر ۱۳۹۷ شورای عالی سران سه قوه در بند ۹ مصوبهٔ خود مجوز اجرای عملیات بازار باز را به بانک مرکزی اعطا کرد. پس از آن شیوه‌نامهٔ مربوط به اجرای این عملیات که پیش‌تر به آن اشاره شد، به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. هم‌راستا با این تصویب، برخی مقررات و دستورالعمل‌ها بازنگری و اصلاح شدند؛ از جمله دستورالعمل بازار بین‌بانکی که تغییراتی در آن اعمال شد (نادعلی، ۱۳۹۹). پس از آن بانک مرکزی با هدف افزایش مدیریت مؤثر بر بازار پول کشور، استفاده از عملیات بازار باز را از ابتدای مهر ۱۳۹۸ به‌منزلهٔ بخشی از چهارچوب سیاست

1. Open market operations.

پولی خود آغاز کرد. اجرای عملیاتی این سیاست نیز از ۲۸ دی ۱۳۹۸ آغاز شد. پس از آنکه رئیس‌جمهور وقت، در پنجاهمین جلسهٔ مجمع عمومی بانک مرکزی که در ۲۶ دی تشکیل شده بود، از آغاز عملیات بازار باز در بانک مرکزی رونمایی کرد، بانک مرکزی نیز در گزارش منتشرهٔ خود بیان داشته است که این بانک همسو با سیاست‌های مطرح‌شده، عملیات بازار باز را به‌مثابهٔ چهارچوب جدیدِ سیاست‌گذاری پولی تعریف می‌کند و از این ابزار برای مدیریت نرخ سود در بازار بین‌بانکی، کنترل نقدینگی، مهار تورم و ایجاد بستر لازم برای سیاست‌گذاری پولیِ مبتنی بر هدف‌گذاری نرخ تورم بهره می‌برد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

عملیات بازار باز با برقراری ارتباط تجاری و غیرشخصی با فعالان بازار، به بانک‌های مرکزی آزادی عمل بیشتری در تعیین زمان و میزان مداخلهٔ پولی می‌بخشد. برخی بر این باورند در شرایطی که بازارهای مالی در حال گسترش و پیچیده‌ترشدن هستند، کنترل‌های مستقیم به تدریج کارایی خود را از دست می‌دهند و دورزدن آن‌ها آسان‌تر می‌شود. به همین دلیل، حرکت به سمت کنترل‌های غیرمستقیم مانند عملیات بازار باز، تلاشی مهم در راستای ثبات و توسعهٔ اقتصادی محسوب می‌شود (Njeru et al., 2024: 5349). اولین تأثیر این عملیات، افزایش عرضهٔ پول و ذخایر بانک به میزان ارزشِ اوراق مشارکتی است که به وسیلهٔ بانک مرکزی خریداری شده است. با افزایش تدریجی حجم اوراق مشارکت در پورتفولیوی بانک مرکزی، در میان‌مدت و درازمدت، حجم این دارایی‌ها به حدی خواهد رسید که عملیات بازار بازِ بانک مرکزی، بتواند اثر چشمگیری بر تغییرات پایهٔ پولی و به تبع آن حجم پول و نیز نقدینگی بگذارد (حقیقت، ۱۳۹۴: ۲۳۸-۲۳۷). از آنجایی که با خرید اوراق بهادار، بانک مرکزی ملزم است مبلغ آن را پرداخت کند، منابع مالی مؤثری به بازار تزریق خواهد شد. در مقابل نیز با فروش این اوراق، بانک مرکزی به‌گونه‌ای مؤثر وجوه را از بازار خارج می‌کند، چراکه خریداران اوراق بهادار ملزم به پرداخت پول به بانک مرکزی خواهند بود (همان).

در جزء ۳ از بند «ب» مادهٔ ۴ قانون بانک مرکزی، از جمله اختیارات بانک مرکزی «طراحی و انتشار انواع اوراق مالی و خریدوفروش آن‌ها و سایر اوراق بهادار به منظور مدیریت (کنترل) حجم نقدینگی و اعتبارات» در نظر گرفته شده است. مادهٔ ۲ شیوه‌نامهٔ عملیات بازار باز نیز، هدف از انجام این عملیات را مدیریت نقدینگی، کاهش نوسانات نرخ سودِ بازار و حفظ نرخ مذکور در سطحی نزدیک به نرخ سود هدف بانک مرکزی می‌داند. هم‌راستا با مصوبات یادشده، قانون بودجهٔ سال‌های مختلف اجرای عملیات بازار باز را از سوی بانک مرکزی پیش‌بینی کرده است. برای نمونه قانون‌گذار در بودجهٔ ۱۴۰۴، اجرای عملیات بازار باز را در بند «پ» تبصرهٔ ۵ مورد توجه قرار داده است. بر اساس این بند، سازمان برنامه و بودجهٔ کشور موظف است در سال ۱۴۰۴ حداقل

۲۰درصد از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را با اولویتِ بخش‌های خدمات درمانی، خدمات حمایتی، بیمه‌های اجتماعی همچون بیمهٔ سلامت، همچنین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای وزارتخانه‌های نیرو، راه‌وشهرسازی، بهداشت و نیز برنامهٔ دولت هوشمند به‌صورت اعتبار الکترونیکی تخصیص دهد. در تکمیل این بحث، نیز بیان می‌دارد: «تخصیص این اعتبار الکترونیکی می‌تواند نقدی یا از طریق اوراق مالی اسلامی و اوراق گواهی اعتبار مولد (گام) انجام شود». عملیات بازار باز در این چهارچوب به‌مثابه ابزاری برای کنترل نوسانات اقتصادی و ثبات در بازارهای مالی و پولی مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه مهم‌ترین ابزارهای نظارتی مورد استفادهٔ بانک مرکزی برای حفظ ثبات مالی بررسی می‌شود.

۳. ابزارهای نظارتی بانک مرکزی برای حفظ ثبات مالی

بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر بر نظام بانکی، از ابزارهای گوناگونی برای حفظ ثبات مالی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با فعالیت بانک‌ها استفاده می‌کند. در این راستا «نسبت کفایت سرمایه» و «الزامات تخصیصی و هدایت اعتبار» از جمله مهم‌ترین این ابزارهای نظارتی به شمار می‌روند که در ادامه هریک از این دو ابزار به‌صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۳-۱. الزامات سرمایه‌ای: نسبت کفایت سرمایه

کفایت سرمایه، بر اساس تعریف بانک جهانی، به میزان توانایی مؤسسه‌ای مالی همچون بانک در انجام تعهدات مالی و جذب زیان‌های احتمالی اشاره دارد. این شاخص بیانگر قدرت و ثبات مالی یک نهاد پولی و تضمین‌کنندهٔ این مهم است که بانک‌ها سرمایهٔ کافی برای پوشش ریسک‌های خود را دارند. به این ترتیب سرمایه‌گذاران، از جمله سپرده‌گذاران و دارندگان اوراق قرضه، در برابر بحران‌های مالی محافظت می‌شوند. حفظ سطح مناسب کفایت سرمایه نقش مهمی در پایداری و سلامت بانک‌ها دارد. این نسبت از مقایسهٔ سرمایهٔ موجود بانک با سرمایهٔ مورد نیاز برای جبران زیان‌ها محاسبه می‌شود[1] و یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت ریسک و مقررات بانکی است که به استحکام مالی بانک‌ها در شرایط بحرانی کمک می‌کند (Tadesse, 2021: 49). نظارت بر کفایت سرمایه از سوی بانک مرکزی به‌مثابهٔ مهم‌ترین مقام ناظر در عرصهٔ پولی و بانکی، در قوانین و مقررات مختلف به‌ویژه در بخش‌های مالی و بانکی، نقش حیاتی در تضمین ثبات اقتصادی و مدیریت ریسک‌های ساختاری دارد. این نظارت در چهارچوب الزاماتی از سوی قانون‌گذار به‌منزلهٔ

1. An Introduction to Capital Adequacy in IDA's Hybrid Financial Model, April 2024 | Development Finance World Bank, Available at: https://www.worldbank.org/ext/en/home.

ابزاری اساسی برای حفظ سلامت نظام مالی مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، بانک‌ها مادامی که سرمایهٔ کافی داشته باشند، توانایی بیشتری در مقابله با بحران‌های اقتصادی دارند و می‌توانند ریسک‌های کلان را به‌صورت کارآمدتری مدیریت کنند. این موضوع علاوه بر آنکه از بروز بحران‌های مالی و آسیب‌های اقتصادی به مردم جلوگیری می‌کند، با تقویت اعتماد عمومی به نظام بانکی، موجب بهبود مدیریت نقدینگی و حفظ ثبات مالی در اقتصاد می‌شود. سرمایهٔ کافی بانک‌ها امکان ارائهٔ تسهیلات پایدارتر، کاهش نوسانات بازار پول و افزایش دسترسی افراد جامعه به خدمات مالی را فراهم می‌آورد.

در قانون بانک مرکزی به‌مثابه اختصاصی‌ترین قانون در حوزهٔ پولی و بانکی، دربارهٔ نسبت کفایت سرمایه مطلبی بیان نشده است، تنها در بند «الف» مادهٔ ۲۰ بیان شده است: «تمام مؤسسات اعتباری موظف‌اند سامانه‌های عملیاتی خود را مطابق الگوی تعیین‌شده توسط بانک مرکزی تنظیم کنند، به‌گونه‌ای که هرگونه تغییر در موارد ذکرشده در بند مذکور به‌صورت فوری و برخط، برای بانک مرکزی و تمامی اعضای هیئت مدیره، هیئت عامل و مدیران مرتبطِ مؤسسهٔ اعتباری قابل مشاهده باشد». یکی از این موارد به موجب جزء ۱۶ بند «الف» «نسبت کفایت سرمایهٔ مؤسسه اعتباری» در نظر گرفته شده است. مادهٔ ۷ قانون برنامهٔ پنج‌سالهٔ هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ جدیدترین مصوبه در این زمینه به شمار می‌رود که بیان می‌دارد: «در راستای اجرای بند ۲ سیاست‌های کلی برنامهٔ پنج‌سالهٔ هفتم[۱] ابلاغیِ ۱۴۰۲ رهبری و به منظور دست‌یابی به اهداف کمی زیر، مطابق با احکام این فصل[۲] اقدام می‌شود».

جدول ۱

ردیف	سنجهٔ عملکردی	واحد متعارف	هدف کمی در پایان برنامه
۱	رشد نقدینگی	درصد	۱۳/۸
۲	تورم	درصد	۹/۵
۳	کاهش اضافه برداشتِ غیرمجاز مؤسسات اعتباری از بانک مرکزی	درصد	۱۰۰ با کاهش ۲۰ درصدی در هر سال
۴	شاخص کفایت سرمایهٔ مؤسسات اعتباری	درصد	حداقل ۸

۱. ایجاد ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ ارز و تک‌رقمی‌کردن تورم طی پنج سال و جهت‌دهی به نقدینگی و اعتبارات بانکی به سمت فعالیت‌های مولد و جذابیت‌زدایی از فعالیت‌های غیرمولد.
۲. فصل دوم قانون برنامهٔ هفتم پیشرفت.

سپس در بند «الف» مادهٔ ۸ قانون مذکور، در راستای اصلاح ساختار مالیِ نظام بانکی و رفع ناترازی مؤسسات اعتباری، بر تحقق حداقل نسبت تعیین‌شده برای کفایت سرمایه تأکید شده و در این زمینه مسئولیت‌هایی بر عهدهٔ نهادهای متولی از جمله وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه قرار داده شده است. در ادامه نیز بیان شده است؛ هیئت مدیرهٔ هریک از مؤسسات اعتباری، چه دولتی و چه غیردولتی که در زمان اجرای قانون، نسبت کفایت سرمایهٔ آن‌ها کمتر از میزان مقرر باشد، موظف است حداکثر ظرف دو ماه از اجرای این قانون، برنامهٔ افزایش سرمایهٔ خود را به بانک مرکزی ارائه دهد. بانک مرکزی نیز مکلف است این برنامه را ظرف دو ماه بررسی کند و پس از تأیید یا اصلاح، آن را برای اجرا به مؤسسهٔ اعتباری مربوطه ابلاغ کند. طبق جزء ۲ از بند «الف» مادهٔ پیش‌گفته، مؤسسات اعتباریِ غیردولتی، موظف‌اند پس از دریافت برنامهٔ افزایش سرمایه از بانک مرکزی، آن را در مجمع عمومی فوق‌العاده مطرح کنند و به تصویب برسانند. پس از تصویب، مؤسسات یادشده باید فرایند قانونی مربوط به افزایش سرمایه را اجرا کنند. اگر طی دو ماه پس از مهلت تعیین‌شده، افزایش سرمایه به هر دلیلی، از جمله برگزارنشدن مجمع عمومی، تصویب‌نشدن برنامهٔ ابلاغیِ بانک مرکزی یا اجرانشدن مصوبات انجام نشود، اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده در این زمینه به بانک مرکزی واگذار می‌شود. در این صورت، بانک مرکزی موظف است از طریق عرضهٔ سهام در بازار بورس و اوراق بهادار و با حذف حق تقدم سهام‌داران فعلی، سرمایهٔ مؤسسهٔ اعتباری غیردولتی را افزایش دهد. بانک مرکزی همچنین مسئول نظارت بر اجرای برنامهٔ افزایش سرمایه و بهبود نسبت کفایت سرمایهٔ این مؤسسات است. بر همین اساس موظف است هر شش ماه یک بار گزارشی از روند اجرای این برنامه و وضعیت کفایت سرمایه را به رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و شورای عالی راهبری برنامه، موضوع بند «الف» مادهٔ ۱۱۸،[1] ارائه کند.

در ادامه مادهٔ ۸ این قانون، جزء ۳ بند «الف» نحوهٔ افزایش سرمایهٔ بانک‌های دولتی را مشخص می‌کند. بر این اساس، وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه موظف‌اند حداکثر ظرف یک ماه از زمان اجرای قانون برنامهٔ هفتم پیشرفت، برنامه‌ای برای افزایش سرمایهٔ بانک‌های دولتی و تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای آن تدوین کنند و پس از تأیید

۱. به موجب بند «الف» مادهٔ ۱۱۸ قانون برنامهٔ هفتم، قانون‌گذار مقرر کرده است: «برای تضمین اجرای صحیح قانون و به منظور هماهنگ‌سازی فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی، "شورای عالی راهبری برنامه" به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و با ترکیب اعضایی شامل رئیس سازمان (به‌عنوان دبیر شورا)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزرایی که ریاست کمیسیون‌های دائمی هیئت دولت را بر عهده دارند و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (به‌عنوان ناظر) تشکیل می‌شود. وظیفهٔ دبیرخانهٔ این شورا بر عهدهٔ سازمان خواهد بود».

هیئت وزیران به اجرا درآورند. مجموع منابع حاصل از تجدید ارزیابی دارایی‌هایِ بانک‌های دولتی که بانک مرکزی تشخیص دهد در بهبود نسبت کفایت سرمایه مؤثر است و به همراه سود خالص سالانهٔ این بانک‌ها، لازم است تا زمان رسیدن نسبت کفایت سرمایه به حد تعیین‌شده در جدول مذکور، صرفاً برای افزایش سرمایه اختصاص یابد. قانون‌گذار وزیر امور اقتصادی و دارایی را مسئول اجرای دقیق این بند در نظر گرفته است و بیان می‌دارد که انتقال دارایی‌های بانک‌های دولتی به سایر دستگاه‌های اجرایی در اجرای برنامه ممنوع است. مسئولیت اجرای برنامهٔ افزایش سرمایه و بهبود نسبت کفایت سرمایهٔ بانک‌های دولتی نیز بر عهدهٔ وزیر امور اقتصادی و دارایی است و بانک مرکزی وظیفهٔ نظارت بر اجرای این بند را بر عهده دارد. علاوه بر این، وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی مکلف‌اند هر شش ماه یک بار گزارشی را از وضعیت نسبت کفایت سرمایهٔ بانک‌های دولتی و پیشرفت برنامهٔ مندرج در بند «الف» به رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و شورای عالی راهبری برنامهٔ هفتم ارائه دهند. در ادامه ابزار الزامات تخصیصی و هدایت اعتبار تحلیل و بررسی می‌شود.

۳-۲. الزامات تخصیصی و هدایت اعتبار

محدودیت‌های اعتباری به مجموعه‌ای از مقررات و ابزارهایِ نظارتی اطلاق می‌شود که برای تنظیم و نظارت بر نوع و سطح اعتبارِ اعطاشده از سوی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به وام‌گیرندگان مختلف اعمال می‌شود. بر مبنای تعریفی که بانک مرکزی با عنوان سقف اعتباری به‌منزلهٔ یکی از سیاست‌های پولی در سایت رسمی خود بیان نموده است: «این نوع از ابزارهای پولی با ایجاد محدودیت‌های اعتباری و اعطای اعتبارات مستقیم به همراه منظورکردن اولویت در امر اعطای اعتبارات بانکی در مورد بخش‌های خاص اقتصادی عملاً اقدام به جهت‌دهی اعتبارات به سمت بخش‌های مورد نظر می‌نماید.»[1] بند ۱۱ مادهٔ ۴ قانون بانک مرکزی نیز همسو با این تعریف از جمله وظایف بانک مرکزی را «برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات مورد نیاز برای دسترسی عادلانهٔ عموم خانوارها و بنگاه‌ها و مناطق مختلف کشور به تسهیلات و خدمات بانکی» در نظر گرفته است.

مسئولیت ثبات‌بخشی به نرخ ارز و تک‌رقمی‌کردن تورم، جهت‌دهی به نقدینگی و اعتبارات بانک‌ها به فعالیت‌های مولد در چهارچوب وظایف و اختیارات قانونی، به موجب بند «پ» مادهٔ ۱۱ قانون برنامهٔ هفتم پیشرفت نیز بر عهدهٔ بانک مرکزی نهاده شده است. بانک مرکزی از طریق صدور بخشنامه یا دستورالعمل‌هایِ اعتباری، بانک‌ها را ملزم به ارائهٔ تسهیلات در حوزه‌های گوناگون می‌کند. این تسهیلات که عمدتاً در قالب قرض‌الحسنه پرداخت می‌شوند، با هدف حمایت از

1. https://cbi.ir/page/1512.aspx.

اقشار مختلف جامعه و هدایت نقدینگی به سوی بخش‌های اولویت‌دار و مولد اقتصادی تخصیص می‌یابند. در این راستا بانک‌ها موظف‌اند اعتباراتی را در قالب وام‌های قرض‌الحسنه برای مشاغل خانگی، ساخت مسکنِ محرومان، خرید مسکن برای خانواده‌های دارای چند فرزند، فرزندآوری و اشتغال اختصاص دهند. بخش عمدهٔ بخشنامه‌هایِ یادشده بیشتر در راستای تکلیفی که دولت در بودجه‌های سالانه برای بانک مرکزی در نظر گرفته است، خطاب به بانک‌های عامل صادر می‌شود. در این میان دو حالت عمده برای تخصیص تسهیلات اعتباری به واسطهٔ بانک مرکزی مطرح می‌شود. در حالت نخست، تخصیص تسهیلات اعتباری به‌صورت افقی انجام می‌شود؛ بدین‌سان که دولت از مجرای بودجه‌های سالانه به استناد قوانین و مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی، تکالیفی را برای بانک مرکزی در نظر می‌گیرد تا منابع اعتباری را به بخش‌های خاصی از اقتصاد تخصیص دهد. بانک مرکزی نیز در پاسخ به این تکالیف، با صدور دستورالعمل یا ابلاغیه‌هایی به شبکهٔ بانکی، این تسهیلات را به بانک‌های تجاری و تخصصی منتقل نموده و از طریق آن‌ها اجرایی می‌کند. به عبارت روشن‌تر تسهیلات به‌صورت غیرمستقیم و با واسطه‌گریِ بانک‌های عامل به متقاضیانِ نهایی می‌رسد. این نوع سیاست‌گذاری عموماً با جهت‌گیری دولت و در قالب سیاست‌های توسعه‌ای یا حمایتی اعمال می‌شود.

در حالت دوم، بانک مرکزی به‌صورت مستقل و بدون الزام قانونی یا اعمالِ تکلیفی خاص از سوی دولت، با توجه به شرایط اقتصادی و اولویت‌هایِ سیاست پولی، اقدام به تخصیص تسهیلات اعتباری می‌کند. در این حالت نیز ممکن است ابلاغ‌هایی به بانک‌ها صورت گیرد، اما منشأ تصمیم، ارزیابی و ابتکار عمل مصوبات بانک مرکزی است و الزام از جانب دولت یا مقنن مطرح نیست. به بیان دقیق‌تر، هدایت اعتبار یکی از ابزارهای غیربازاری سیاست پولی است که از سوی بانک مرکزی برای کنترل جهت‌گیری خلق اعتبار در نظام بانکی و هم‌راستاسازی آن با اهداف کلان اقتصادی استفاده می‌شود. در این چهارچوب، بانک مرکزی با بهره‌گیری از الزامات قانونی یا سازوکارهای انگیزشی، بانک‌ها را ملزم می‌کند تا منابع مالی و اعتباری خود را به بخش‌های مشخص و مولد اقتصاد هدایت کنند. هدف از این سیاست، تضمینِ تخصیص منابع به حوزه‌هایی است که از نظر نهاد سیاست‌گذار، نقش اساسی در رشد اقتصادی، توسعهٔ صنعتی یا ارتقای اشتغال دارند (وزیری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸۱). به بیان دیگر، در سیاست هدایت اعتبار، بانک‌ها زمانی به خلق پول از طریق اعطای تسهیلات مجازند که این منابع در خدمت اولویت‌های تعیین‌شده از سوی دولت یا بانک مرکزی قرار گیرند.

برای نمونه بانک مرکزی در نامه‌ای در تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ خطاب به مدیرانِ عامل بانک‌های مسکن، سپه، ملت و سایر بانک‌های مندرجِ در متن نامه اعلام کرده است: «بر اساس مفاد بند ۳ از

تصمیمات متخذهٔ جلسهٔ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۱۶ شورای پول و اعتبار، سقف فردی تسهیلات خرید یا ساخت مسکن نخبگان و استعدادهای برتر از مبلغ ۶میلیارد ریال به ۱۰میلیارد ریال افزایش یافته است. نیز تسهیلات ودیعهٔ مسکن به مبلغ ۳میلیارد ریال فقط برای متقاضیانی که پیش‌تر از این تسهیلات بهره‌مند نشده‌اند، اعمال می‌شود. مجموع تسهیلات حداکثر ۲۰۰۰ فقره خواهد بود. سهم هریک از بانک‌های ذکرشده در متن ماده نیز مطابق با جدول زیر تعیین شده است».

جدول ۲: سهم بانک‌های مختلف از تسهیلات تکلیفی سال ۱۴۰۲[1]

نام بانک	تعداد تسهیلات تحت پوشش	نام بانک	تعداد تسهیلات تحت پوشش
مسکن	۴۰۰	رفاه کارگران	۳۰۰
سپه	۳۰۰	تجارت	۳۰۰
ملت	۳۰۰	صادرات ایران	۲۰۰
ملی	۲۰۰		
مجموع		۲۰۰۰ فقره	

بانک مرکزی طی ابلاغیه‌ای دیگر خطاب به مدیرانِ عامل بانک‌های دولتی، غیردولتی، مؤسسات اعتباری غیربانکی، شرکت دولتیِ پست‌بانک و بانک مشترک ایران ــ ونزوئلا اعلام کرده است: «بر اساس بند ۴ صورتجلسهٔ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۵ شورای پول و اعتبار، با افزایش سقف تسهیلات قرض‌الحسنهٔ ضروری و عادی بانک‌ها و مؤسسات مذکور تا مبلغ ۵۰۰میلیون ریال موافقت شده است. همچنین شورای پول و اعتبار با افزایش سقف فردیِ تسهیلات قرض‌الحسنهٔ اشتغال، حمایت از مشاغل خانگی، افراد تحت پوشش کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و سایر موارد مندرج در متن ابلاغیه، با خرید انشعابات، توسعهٔ زیرساخت‌های خانگی و تأمین سرمایه در گردش کسب‌وکارهای خرد روستایی تا سقف ۱۰۰۰میلیون ریال موافقت کرده است. افزون بر این، شورا در زمینهٔ تسهیلات قرض‌الحسنهٔ مسکن برای محرومان شهری مقرر داشته است که این تسهیلات برای مددجویان کمیتهٔ امداد و سازمان بهزیستی، در شهرهای کوچک با جمعیت کمتر از ۲۰۰هزار نفر تا سقف ۸۰۰میلیون ریال و در سایر شهرها تا سقف ۱۰۰۰میلیون ریال، با دورهٔ بازپرداخت ۱۰ساله پرداخت گردد».

۱. وب‌سایت رسمی بانک مرکزی

بانک مرکزی در دستورالعمل صادرهٔ خود در ۱۴۰۳/۰۲/۱۱ خطاب به مدیران عاملِ بانک‌های ملی، توسعهٔ تعاون، صادرات، تجارت، ملت، سپه و دیگر بانک‌ها، بر حمایت از مشاغل خانگی تأکید کرده است. در این بخشنامه، با استناد به مادهٔ ۱۸ دستورالعمل اجرایی قانون سامان‌دهی و حمایت از مشاغل خانگی، بانک مرکزی سهمیهٔ تسهیلات قرض‌الحسنهٔ مشاغل خانگی را تعیین و توزیع کرده است. بر این اساس، بانک مرکزی سهمیهٔ هر بانک را برای اعطای این تسهیلات از محل منابعِ پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه در سال جاری مشخص کرده و آن را طبق جدول پیوست به بانک‌ها ارسال کرده است. همچنین در ادامهٔ این بخشنامه، بانک مرکزی اعلام کرده است که توزیع استانی این تسهیلات، متعاقباً از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ خواهد شد.[1] بانک مرکزی در تاریخ ۱۴۰۳/۰۱/۰۶ خطاب به مدیران عامل بانک‌های ملی، سپه، تجارت، صادرات ایران، صنعت و معدن، توسعهٔ تعاون، مؤسسهٔ اعتباری ملل، بانک قرض‌الحسنهٔ رسالت و سایر بانک‌های مندرج در متن نامه و در راستای اجرای بند ۳ تبصرهٔ ۱۳ قانون بودجهٔ سال ۱۴۰۳ ابلاغیهٔ دیگری صادر کرده است.

بر اساس ابلاغیه یادشده و به استناد قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و همچنین قوانین مرتبط با ایثارگران و سایر قوانین مندرج در بند ۳ تبصرهٔ ۱۳، بانک مرکزی مکلف است از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه، اعم از جاری و پس‌اندازِ شبکهٔ بانکی، پس از کسر سپردهٔ قانونی، حداقل ۲میلیون میلیارد ریال را به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به محورهای قرض‌الحسنهٔ ازدواج، فرزندآوری، ودیعه، خرید یا ساخت مسکن اختصاص دهد. در این ابلاغیه تأکید شده است که در صورت کافی‌نبودن منابع قرض‌الحسنه، بانک‌ها موظف‌اند پرداخت تسهیلات را بر اساس اولویت‌بندی تعیین‌شده انجام دهند. در همین راستا، اولویت نخست در تخصیص منابع قرض‌الحسنه به تسهیلات حوزهٔ ازدواج و فرزندآوری اختصاص داده شده است و پس از آن، متقاضیانِ تسهیلات ودیعه، خرید یا ساخت مسکن مشمول این قانون قرار می‌گیرند.

با توجه به مباحث مطروحه چنین برداشت می‌شود که الزامات ذکرشده، با هدف هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد و رفع نیازهای ضروری خانوارها به تصویب رسیده است؛ آن‌گونه که تلاش شده است تا با سیاست‌های کلان اقتصادی، به‌ویژه در حوزهٔ حمایت از افزایش جمعیت، اشتغال و تأمین مسکن هماهنگ باشد. با اجرای کارآمد این سیاست‌ها، علاوه بر تسهیل دسترسی خانوارها به منابع مالی، از انحراف نقدینگی به بخش‌های غیرمولد و تورم‌زا نیز جلوگیری می‌شود. به بیان دقیق‌تر، در صورتی که الزامات وام‌دهی در مسیر سرمایه‌گذاری بهینه و با مدنظر قراردادن قدرت مالی بانک‌ها

۱. برای مشاهدهٔ سایر بخشنامه‌های اعتبارات صادره از سوی بانک مرکزی به تفکیک سالِ انتشار، مراجعه کنید به:
https://cbi.ir/category/

در راستای اعطای آن‌ها صورت پذیرد، ضمن مدیریت عرضهٔ پول، از تمرکز بیش از حد نقدینگی در بخش‌های سوداگرایانه که می‌تواند موجب بی‌ثباتی اقتصادی شود، جلوگیری می‌کند و آن را به سمت رونق بخش‌های تولیدی و اجتماعی سوق می‌دهد. این سیاست‌ها بخشی از برنامه‌های کلان اقتصادی کشور برای کنترل تورم، افزایش اشتغال و بهبود رفاه عمومی هستند که اجرای صحیح آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در تنظیم بازار پول و اعتبارات و به تبع آن ثبات مالی ایفا نماید.

نتیجه‌گیری

کاربست بهینهٔ ابزارهای نظارتی از جانب بانک مرکزی، ظرفیت آن را دارد که جریان نقدینگی را در مسیرهای هدفمند هدایت کند و از نوسانات شدید اقتصادی جلوگیری کند. قانون‌گذار در قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲، با اذعان به جایگاه محوری بانک مرکزی در تنظیم سیاست‌های پولی و کنترل نقدینگی، مجموعه‌ای از ابزارهای نظارتی و سیاستی را پیش‌بینی کرده است. این موضوع در ظاهر، حاکی از رویکردی جامع در مواجهه با پدیدهٔ مدیریت نقدینگی است. با این حال، بررسی دقیق مفاد این قانون نشان می‌دهد که قانون‌گذار در نحوهٔ تنظیم و میزان تفصیل مقررات ناظر بر این ابزارها، رویکردی همسان اتخاذ نکرده است و میان ابزارهای مختلف، از حیث عمق مقررات‌گذاری و تبیین سازوکار اجرایی، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. به‌صورت مشخص در خصوص برخی ابزارها مانند عملیات بازار باز و الزامات و تسهیلات اعتباری، قانون‌گذار با ورود تفصیلی‌تر، چهارچوب‌های حقوقی نسبتاً روشنی برای اعمال آن‌ها ترسیم کرده است؛ در مقابل در مورد ابزارهایی همچون نرخ ذخیرهٔ قانونی و نسبت کفایت سرمایه، به ذکر کلیات بسنده شده است. اهمیت این امر هنگامی برجسته‌تر می‌شود که توجه کنیم در قانون برنامهٔ هفتم پیشرفت و بودجه‌های سالانه که پس از قانون بانک مرکزی به تصویب رسیده‌اند، قانون‌گذار با توجه به اقتضائات سیاست‌های کلان پولی و اعتباری، به ابزارهایی همچون نسبت کفایت سرمایه که در قانون بانک مرکزی به‌صورت اجمالی اشاره شده بودند، رویکردی تفصیلی‌تر داشته است و از طریق تعیین الزامات دقیق‌تر، خلأهای پیشین را تا حدی جبران کرده است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی حاکم بر مدیریت نقدینگی و حفظ ثبات مالی، واجد ساختاری تدریجی و تکمیلی است که در آن قانون بانک مرکزی نقش قانون پایه را دارد و تکمیل و تعمیق ابزارهای پولی، متناسب با تحولات اقتصادی و ضرورت‌های سیاست‌گذاری کلان، در قالب قوانین و مقررات بعدی صورت می‌پذیرد. موضوعی که در ارتباط با قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ نیز مشاهده می‌شود، این است که در سال‌های پس از تصویب آن و تا پیش از تصویب قانون بانک مرکزی مصوب ۱۴۰۲، قوانین و مقررات متعددی از سوی ارکان بانک مرکزی یا سایر مراجع

صالح برای وضع قوانین و مقررات مرتبط، همسو با مواد مختلف قانون یادشده، تصویب شده است. این روند نشان‌دهندهٔ استمرارِ تلاش قانون‌گذار و نهادهای ذی‌صلاح در تکمیل و توسعهٔ چهارچوب‌های نظارتی و پولی، پیش از بازنگری کلی در قالب قانون بانک مرکزی ۱۴۰۲ است.

منابع

۱. انوری، حسن. (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**، چاپ اول، جلد هشتم، تهران: نشر سخن.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰). **توافق بازخرید اوراق**، دسترسی‌پذیر در: https://cbi.ir/.
۳. پژوهشکدهٔ پولی و بانکی بانک مرکزی. (۱۳۸۶). **کنترل بازار آزاد ارز با هدف‌گذاری پولی و سیاست‌های تحدیدی تورم، چاپ اول**، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.
۴. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۶). **مجموعه مقالات «نظارت مالی در قرن ۲۱»**، ترجمهٔ اصلان قودجانی، چاپ اول، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۵. حقیقت، جعفر. (۱۳۹۴). **اقتصاد پولی**، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامهٔ دهخدا**، جلد چهاردهم، چاپ دوم، تهران: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۷. زارعی، ژاله و کمیجانی، اکبر. (۱۳۹۱). **ارزیابی ثبات مالی در ایران با تأکید بر ثبات بانکی (رویکرد آزمون هشدارهای اولیه)**، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال سوم، شمارهٔ ۱۰.
۸. سعادت‌مهر، مسعود و منصوری، نسرین. (۱۴۰۲). **تأثیر نرخ ذخیرهٔ قانونی بر نرخ تورم و رشد اقتصادی در ایران (رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان)**، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سیزدهم، شمارهٔ ۵۲.
۹. شیوه‌نامهٔ اجرایی «انجام عملیات بازار باز و اعطای اعتبار در قبال اخذ وثیقه» مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۴ هیئت عامل بانک مرکزی.
۱۰. صامعی، ناصر و قاسمی، بهروز. (۱۳۸۵). **آسیب‌شناسی کنترل و نظارت در بازار ایران**، چاپ اول، تهران: کلمه.
۱۱. طبیبیان، محمد. (۱۳۸۲). **اقتصاد کلان**، چاپ اول، تهران: بازتاب.
۱۲. عربی، سیدهادی و میثمی، حسین. (۱۳۹۸). **پول و بانکداری با رویکرد اسلامی**، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی و موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۷). **نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری**، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. فراهانی فرد، سعید. (۱۳۹۱). **سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا: بررسی فقهی ـ اقتصادی**، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۱۵. قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۲/۰۳/۳۰.
۱۶. قانون برنامهٔ هفتم پنج‌سالهٔ هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۳/۰۴/۱۸.
۱۷. موسویان، سیدعباس و نظری، علی. (۱۳۹۲). **الگوی مطلوب ذخیرهٔ قانونی در بانکداری اسلامی**، فصلنامهٔ اقتصاد و بانکداری اسلامی، شمارهٔ دوم.
۱۸. میرباقری هیر، میرناصر؛ ناهیدی امیرخیز، محمدرضا و شکوهی فرد، سیامک. (۱۳۹۵). **ارزیابی ثبات مالی و تبیین عوامل مؤثر بر ثبات مالی بانک‌های کشور**، فصلنامهٔ سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شمارهٔ ۱۵.
۱۹. میرمحمدی، سیدمحمد. (۱۳۸۳). **الگوی نظارت و کنترل در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
۲۰. مُنجاک، تاماراک. (۱۴۰۰). **بانکداری مرکزی ثبات پولی و مالی: نظریه و عمل**، ترجمهٔ احمد عزیزی، فاطمه نوربخش، چاپ دوم، تهران: پژوهشکدهٔ پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۲۱. نادعلی، محمد. (۱۳۹۹). **نشست راهبرد ایرانی؛ بررسی ابعاد اجرای عملیات بازار باز**، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، خرداد ۱۳۹۹، دسترسی‌پذیر در: https://csr.ir/ آخرین بازدید: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵.

۲۲. هاندا، جاگدیش. (۱۳۹۸). **اقتصاد پولی**، ترجمهٔ علی سوری، چاپ اول، تهران: نور علم.

۲۳. هانگر، جی دیوید و ال ویلن، توماس. (۱۳۸۴). **مبانی مدیریت استراتژیک**، ترجمهٔ محمدعلی اعرابی، داود ایزدی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲۴. همتی، مریم. (۱۴۰۰). **گزارش کارشناسی ضرورت محاسبهٔ پول در مفهوم وسیع در اقتصاد ایران**، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی.

۲۵. وزیری، سیدابوالفضل؛ یزدانی، عباس و صادقی شاهدانی، مهدی. (۱۴۰۲). **بررسی اثر تسهیلات تکلیفی بر تورم در اقتصاد ایران با استفاده از مدل VAR**، اقتصاد پولی، مالی، سال سی‌ام.

26. Akbi, A. (2022). **The European Parliament as an Accountability Forum: Overseeing the Economic and Monetary Union**, available at https://www.cambridge.org/core/terms, https://www.cambridge.org/core/product/9BFCDD795748DEC2242600A8440E42FC.
27. Anarfo, E. B. and Abor, J. Y. (2020). **Financial regulation and financial inclusion in Sub-Saharan Africa: Does financial stability play a moderating role?** Research in International Business and Finance, 51, 101070.
28. An Introduction to Capital Adequacy in IDA's Hybrid Financial Model, April 2024 | Development Finance World Bank, Available at: https://www.worldbank.org/ext/en/home.
29. Begenau, J. and Landvoigt, T. (2022). **"Financial regulation in a quantitative model of the modern banking system"**, The Review of Economic Studies, Vol. 89, No. 4, 1748-1784.
30. Bierman, H. Jr. and Hass, J. E. (1963). **An introduction to managerial finance**, London: Pitman Publishing Ltd.
31. European Central Bank. (2007). **Understanding Financial Market Liquidity**, https://www.ecb.europa.eu, 2007.
32. European Central Bank. (2012). **"Euro Money Market Survey", Frankfurt: ECB. Ferguson, N. (2008), "The ascent of money: a Fnancial History of the World"**, New York: The Penguin Press.
33. Mohideen, J. H. (2024). **Open Market Operations: Expectations and Challenges**, E-issn No. 2454-9916, Vol. 10, Issue: 1, p. 3.
34. Njeru, W. M; Kiano, E. M and Siele, R. K. (2024). **"Effect of open Market Operations on income Inequality"**, Journal of Economics, Finance and Management Studies, Vol. 07, Issue 08, DOI: 10.47191/jefms/v7-i8-56, Impact Factor: 8.044.
35. Phan, D. H. B.; Tran, V. T. and Iyke, B. N. (2022). **Geopolitical risk and bank stability. Finance Research Letters**, 46, 102453.
36. Plato-Shinar, R. (2021). **Banking Regulation in Israel: Balancing Systemic Stability and Consumer Protection**, Regulation in Israel: Values, Effectiveness, Methods, 27-48.
37. Serbanescu, L. (2022). **"Micro-prudential vs macro-prudential regulation"**, Ovidius University Annals, Economic Sciences Series, Vol. 22, No. 1, 35–45. https://stec.univ-ovidius.ro/html/anale/RO/2022-2/Section%203/35.pdf.
38. Tadesse, B. A. (2021). **Effect of bank specific and macroeconomic determinants on capital adequacy ratio a study on Ethiopian private commercial banks**, Journal of Business and Economic Management, Vol. 9, No. 2: 047-057, February 2021, DOI: 10.15413/jbem.2020.0152.
39. Weber, C. S. (2019). **"The effect of central bank transparency on exchange rate volatility"**, Journal of international money and finance, Vol. 95, 165-181.